

# تأثیر رمانتیسم در تصویرگرایی شعر سیمین بهبهانی (مجموعه‌های خطی ز سرعت و آتش، دشت ارژن و یک دریچه آزادی)

حمیرا خانجانی<sup>۱</sup>  
دکتر مریم محمودی<sup>۲\*</sup>  
دکتر مرتضی رشیدی<sup>۳</sup>

## چکیده

رمانتیسم از پیچیده‌ترین و گسترده‌ترین مکتب‌های ادبی جهان است که به عنوان پدیده‌ای انقلابی، در اواخر قرن هجدهم به وجود آمد. این مکتب زمانی ظهور کرد که تحولات مهم علمی، اجتماعی و سیاسی تمام اروپا را فراگرفته بود. در ایران نیز از عهد مشروطه، رمانتیسم به عنوان رویکردی فکری در ادبیات فارسی مطرح شد. اگرچه سیمین را نمی‌توان از پیروان این مکتب دانست اما بسیاری از تصاویر شعری وی ویژگی‌های تصویرسازی مکتب رمانتیسم را دارد. تصاویری که بیان‌گر اندیشه و ذهنیت شاعر است و در انتقال احساس شاعر نقشی برجسته دارند. در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است؛ برخی ویژگی‌های تصاویر رمانتیسم چون: استحاله در طبیعت، فردیت‌گرایی، سایه‌واری و ابهام در تصاویر، پویایی و بالندگی تصاویر و اندوه در اشعار سه دفتر؛ خطی ز سرعت و آتش، دشت ارژن و یک دریچه آزادی بررسی شده است. ترکیب‌ها و تصویرهای سایه‌وار، القای معنی و در انتقال احساس، طبیعت‌گرایی، وجود اندوه فردی و اجتماعی در تصاویر شعری و شخصی کردن نمادهای مختلف ویژگی‌هایی است که نشان می‌دهد، سیمین در تخیل شعری خود تحت تأثیر رمانتیک‌ها بوده است.

واژگان کلیدی: رمانتیسم، تصویر، سیمین بهبهانی، طبیعت.

- 
۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.  
Email: homeira1222@gmail.com
  ۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. (نویسنده مسئول)  
Email: mahmoodi75@yahoo.com
  ۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.  
Email: mortezarashidi51@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۷/۲۷

## مقدمه

رمانتیسم، مکتب ادبی اروپا در قرن هجدهم و نیمه اول قرن نوزدهم میلادی است که آن را نوعی واکنش احساسی در برابر عقلانیت می‌دانند. در معنای خاص و تاریخی، رمانتیسم پدیده‌ای اروپایی است که فرهنگ و تمدن اروپا بعد از گذشتن از دوره رنسانس و در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی به این وضعیت خاص فرهنگی دست یافت. (جعفری جزی، ۱۳۸۷: ۱)

اهمیت رمانتیسم را در این می‌دانند که زندگی و اندیشه دنیای غرب را دگرگون کرده است؛ «جنبش رومانتیسم عامل بزرگترین تغییری است که تاکنون در آگاهی مردم غرب پدید آمده و همه تغییرات دیگر که در قرن نوزدهم و بیستم روی داده اهمیتی کمتر از آن داشته و در هر حال سخت تحت تأثیر آن بوده است» (برلین، ۱۳۸۷: ۲۰). از درون مایه‌های اولیه اشعار رمانتیسم این بود که نویسندگان و شعرا احساسات را بر عقل برتری دادند؛ بیشتر حزن و اندوه خود را در شعر نمایان ساختند و زندگی روستایی را ارجح از زندگی شهری ترجیح دانستند. همچنین علاقه به طبیعت بکر و وحشی از ویژگی‌های آشکار این نویسندگان بود. وردزورث از شاعران و نظریه‌پردازان رمانتیک انگلستان معتقد است: «خاستگاه شعر هیجان است که در سکون فریاد آورده شود؛ شاعر آنقدر درباره هیجان به تأمل می‌پردازد تا اینکه، هیجانی، خویشاوند با آنچه موضوع تأمل بود، کم کم به وجود می‌آید و خود در ذهن (شاعر) مستقر می‌شود» (ولک، ۱۳۸۸: ۱۶۹)

«افسانه» نیما را آغازگر شعر رمانتیک در ادب فارسی است. «منظومه افسانه (۱۳۰۱ش) چشم‌انداز نویدبخشی را نشان می‌داد. دید تازه‌ای پدیدار گشت و طبیعتی بکر و تازه وارد شعر شد. افسانه شعری ساده و صمیمی و شورانگیز اما سرشار از ابهام و غرابت بود. از پی نیما، میرزاده عشقی سه تابلو مریم را در سال ۱۳۵۳ به تأثیر از نیما سرود و توللی در شعر شیپور انقلاب (۱۳۲۴) جلوه‌های رمانتیک را با مهارت در شعر وارد کرد» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۱۹). فریدون توللی در سال ۱۳۲۵ با چاپ شعر «مریم» در مجله سخن، گام بلندتری به جانب شعر رمانتیک برداشت.

برخی هم معتقدند در ایران انقلاب رمانتیک در شعر با همه ابعاد و معنای اروپایی آن، وجود نداشته است. «رمانتیسم یا در واقع برخی عناصر رمانتیک که در شعر این عصر دیده می‌شود، ویژگی کاملاً تازه‌ای است که نه تنها در شعر دوره بازگشت، بلکه در شعر کلاسیک‌گرای عصر مشروطه و شعر کاملاً اجتماعی این عصر هم دیده نمی‌شود» (جعفری جزی، ۱۳۸۶: ۶۶).

در مکتب رمانتیسم، تخیل اهمیت بسیار دارد. برخلاف دیدگاه کلاسیکی که بر محاکات تأکید دارد و بنای شعر را در تقلید از طبیعت می‌داند، نویسنده رمانتیک به بیان احساسات و عواطف شخصی می‌پردازد. «جنبش رمانتیسم تلاشی است برای تحمیل الگویی زیباشناختی بر واقعیت، و بیان این که همه چیز باید از قواعد هنر پیروی کند» (برلین، ۱۳۸۷: ۲۳۲). از این رو دیدگاه رمانتیکی بر تخیل استوار است و تخیل، جایگزین تقلید و محاکات کلاسیک می‌شود.

«مشخصه‌های سبک رمانتیسم، عبارت است از: همدلی و یگانگی با طبیعت، فردیت، بیان آزاد احساسات و هیجانات فردی، پایبندی به تصور، کشف و شهود و درون بینی اصالت جهان خیالی، اصالت تصور و غلبه جهان ذهنی بر جهان واقعی، بازگشت به آغاز و دوران کودکی و طبیعت دست نخورده» (فتوحی، ۱۳۸۴: ۱۵۲).

سیمین بهبهانی را به سبب قالب غزل، از شاعران سنت‌گرا می‌دانند. اما سوای قالب غزل، شعر سیمین از ویژگی‌های شعر سنتی چندان برخوردار نیست. اگر بپذیریم هر شاعری در دوره شاعری خود سیر تکامل را طی می‌کند، خواهیم دید که سیمین از شاعران نوپرداز معاصر است. او به تدریج از قید سنت‌های شعر گذشته فارسی خود را آزاد کرده و به نوآوری پرداخته است. در غزل‌های او نشانه‌های مکتب رمانتیسم و سمبولیسم به فراوانی دیده می‌شود.

### پیشینه پژوهش

در مورد رمانتیسم و تصویرسازی، جداگانه مقاله و کتاب بسیار نوشته شده است. اما در مورد تصویرسازی رمانتیک تنها به کتاب «بلاغت تصویر» از محمود فتوحی رودم‌عجنی برخورد کردم و مقاله‌های:

– مقاله «جلوه‌های رمانتیسم در شعر سیمین بهبهانی مجموعه‌های جای پا، چلچراغ، مرمر و رستاخیز» (۱۳۹۲)

در این مقاله جلوه‌های رمانتیسم در چهار مجموعه شعر جای پا، چلچراغ، مرمر و رستاخیز از سیمین بهبهانی بررسی شده است. عنوان‌های فرعی مقاله عبارت است از: فردیت احساس‌گرایی، حزن و اندوه، نوستالژی، اساطیر، سادگی و گریز از فخامت‌های سنتی، مذمت سرمایه داری، همدلی با طبیعت، دین – گرای شهودی با رویکرد عاطفی و شهودی به دین، اروتیسم، رمانتیسم اجتماعی، شور انقلابی. نویسندگان مقاله به این نتیجه رسیده‌اند که سیمین از آموزه‌های رمانتیسم تأثیر پذیرفته و بر اثر آن دامنهٔ خلاقیت‌های هنری او گسترش یافته است. رمانتیسم بارز او اجتماعی است و نه عاطفی، ولی نمی‌توان او را کاملاً شاعری احساساتی و یا اجتماعی دانست. آن‌ها معتقدند؛ بهبهانی همچون رمانتیک‌ها با بیان کردن مسائل به زبان عواطف و احساسات، مقاصد خود را در شعر بیان می‌کند.

– جلوه‌های رمانتیسم و فمینیسم در شعر سیمین بهبهانی از فرشته گل سرخی. (۱۳۹۶)

در این مقاله، جلوه‌های رمانتیسم در شعر سیمین بهبهانی بررسی شده است. نویسنده در این پژوهش به این نتیجه رسیده است که شعر سیمین در ابتدا، دارای مشخصات رمانیسم فردی است و به تدریج رمانتیسم اجتماعی جای رمانتیسم فردی را در شعر او می‌گیرد. در این مقاله به بحث تصویرگری سیمین پرداخته نشده است.

در جستجوهای انجام شده، مقاله‌ای با موضوع تصاویر رمانتیسم در مجموعه‌های شعری خطی ز سرعت و آتش، دشت ارژن و یک دریچه آزادی سیمین بهبهانی یافت نشد.

## بحث و بررسی

### تصویر رمانتیسم

تصویر، یکی از اصلی‌ترین اصطلاحات نقد ادبی و معادل ایماژ در زبان انگلیسی است. «در عام‌ترین مفهوم، تصویر بر کل زبان مجازی اطلاق می‌شود؛ یعنی آن بخش از کاربردهای هنری و

خلاقهٔ زبان که از رهگذر تصرفات خیال در زبان عادی به وجود می‌آید» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۴۱). در این مفهوم، تصویر عبارت است از هر گونه کاربرد مجازی زبان که شامل همهٔ صناعات و تمهیدات بلاغی از قبیل: تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، تمثیل، نماد، اغراق، مبالغه، تلمیح، اسطوره، اسناد مجازی، تشخیص، حسامیزی، پارادوکس و... می‌شود. (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۹: ۹ و ۲۱)

شاعران رمانتیسیم، به توصیف طبیعت اکتفا نمی‌کنند، بلکه در طبیعت غرق می‌شوند و «خود را با طبیعت هم‌سو و هم‌سان می‌بینند» (شمیسا، ۱۳۹۱: ۶۵). تصاویر شعری این شاعران، بهترین و گویاترین وسیلهٔ بیان شیفتگی آنان به طبیعت است. «رمانتیک‌ها احساسات درونی و ذاتیات روانی خود را در طبیعت می‌ریزند و جراحات روح را با انتقال آن به طبیعت التیام می‌بخشند» (فتوحی، ۱۳۸۴: ۱۲۲). تصویر رمانتیک، احساس شاعر را منتقل می‌کند و در مخاطب تأثیر هم‌سان احساس هنرمند بوجود می‌آورد. در دیدگاه رمانتیک هر چیزی که بتواند احساس هنرمند را منتقل کند و در مخاطب تأثیر بگذارد، قابل توصیف است. برخلاف مکتب کلاسیسیسم که «بیشتر به صفات خوب توجه داشتند» (شمیسا، ۱۳۹۱: ۴۶). در این دیدگاه امور زشت هم ممکن است، موضوع تصویرسازی قرار بگیرند. «این کارکرد سبب شد تا تصویر از حاشیه به درون شعر کشانده شود و اهمیت تأثیرگذاری تصویر بیشتر مورد توجه قرار بگیرد. هدف شاعر رمانتیک تأثیرگذاری بر خواننده است، به همین سبب در تصویر همان حالتی را به خواننده نشان می‌دهد که خود تجربه کرده است.» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۵۱) تصویرپردازی در هر سبک و مکتب ادبی، ویژگی‌های خاصی دارد. تصویر رمانتیک بیانگر احساس شاعر است، یعنی علاوه بر تصاویر نشاط‌انگیز، تصاویر اندوهبار نیز در شعر این شاعران وجود دارد. این اندوه را به سه نوع «اندوه فلسفی»، «اندوه فردی» و «اندوه اجتماعی» تقسیم کرده است. (همان: ۱۴۳)

### ماهیت تصویر در مکتب رمانتیسیم

رمانتیک‌ها برای تخیل اهمیت بسیار قائلند، نزد آنان تخیل مقوله‌ای اساسی است و بدون تخیل نمی‌توان شعر سرود. «تخیل قادر به دیدن چیزهایی است که عقل معمولی از دیدن آن عاجز

است و لذا تخیل رابطه تنگاتنگی با نوعی بصیرت، ادراک یا الهام خاص دارد.» (باوره، ۱۳۷۳: ۵۸)

«رمانتیسم، بر فردیت و اصالت شاعر تأکید دارد.» (جعفری جزی، ۱۳۷۸: ۱۱۹)؛ به بیان دیگر، رمانتیسم عبارت است از بیان احساسات شخصی و تجربه‌های فردی و شاعر رمانتیک سعی دارد با تصویرسازی و تصویرآفرینی، این احساسات و تجربه‌های فردی را به خواننده انتقال دهد. «شاعر رمانتیک برای بیان عواطف و هیجانات فردی، به نیروی تخیل نیاز دارد تا از سلطه واقعیت جهان رها شود.» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۲) رمانتیک‌ها تخیل را بسیار ارزشمند می‌دانند. «در نزد بلیک تخیل یعنی همان حضور خداوند و اعمال او در روح انسان. در نتیجه، هر خلاقیتی که به مدد تخیل صورت بگیرد واجد خصالتی الوهی است و طبع معنوی انسان در تخیل محقق می‌شود.» (باوره، ۱۳۷۳: ۵۸)

رمانتیک‌ها خود را جزئی از طبیعت می‌دانند. به همین سبب با جهان پیرامون خود ارتباط روحی برقرار می‌کنند. جمال‌شناسی رمانتیک، جهان را زنده و دارای روح بالنده و پویا می‌بیند. احمد زکی ابوشادی، شاعر رمانتیک عرب، شعر را تعبیری از همدلی و مهربانی حواس با طبیعت، و تأثیرهای متقابل میان حواس و آثار طبیعی را خاستگاه شعر می‌داند. (ر. ک: فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۲۴)

شاعر رمانتیک طبیعت را هدف اصلی نمی‌داند بلکه آن را انگیزه‌ای برای تفکر تلقی می‌کند. «کالریج می‌گوید: صور خیال هرچند زیبا باشد و هرچند از طبیعت برگرفته شده باشد، آنگاه نشان‌گر نبوغ اصیل محسوب می‌شود که بر اثر یک عاطفه قوی تنظیم شده باشد یا این که نوعی زندگی انسانی و ذهنی و فکری مشتق از روح خود شاعر در آن نهفته باشد» (جعفری جزی، ۱۳۷۸: ۲۹۹).

تصویر رمانتیک، ویژگی‌هایی خاص دارد که آن را از تصویر کلاسیک و سمبولیک متمایز می‌سازد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

- ۱- استحاله شاعر در طبیعت و اشیاء
- ۲- سایه‌واری و ابهام پدیده‌ها در تصویر
- ۳- پویایی و تحرک تصویر
- ۴- انعکاس فردیت شاعر در تصویر. (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۲۲)

## استحاله شاعر در طبیعت

یکی از ویژگی‌هایی که برای تصاویر رمانتیسم برشمرده‌اند، یگانگی و هم‌حس و هم‌دل شدن شاعر با طبیعت است. «همدلی و یگانگی انسان با طبیعت از اصول بنیادین هنر رمانتیک است، خصوصاً در مواقعی که محیط طبیعی شباهت تام و تمامی با حالات و وضعیت روح و ذهن فرد پیدا می‌کند» (فورست، ۱۳۷۵: ۵۳).

«در شعر رمانتیک، طبیعت برای هنرمند در حکم الگوی نقاشی نیست، بلکه رابطه او با طبیعت نزدیکتر و عمیق‌تر و توأم با احساسات می‌شود» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۲۳). شاعر رمانتیک برخلاف شاعران کلاسیک از بیرون به توصیف طبیعت نمی‌پردازد بلکه با طبیعت یکی می‌شود، غم و شادی خود را در طبیعت می‌جوید. «رمانتیک‌ها به جای توصیف صادقانه و دقیق طبیعت بیرونی در پی آنند تا حالات و روحیات درونی خودشان را در طبیعت کشف کنند» (جعفری، ۱۳۷۸: ۲۹۹). شاعر رمانتیک، طبیعت را توصیف نمی‌کند بلکه درک درون‌گرایانه خود از طبیعت و اشیا را با احساس شخصی تعبیر می‌کند. «آن چیز رمانتیک است که موضوع و محتوایی عاطفی و احساساتی را در شکل و صورتی تخیلی و خلاقانه به تصویر درآورد» (همان: ۱۴). «آنگاه که احساس و عاطفه شاعر رمانتیک در طبیعت استحاله شود، تصویر واسطه میان احساس شاعر و طبیعت است. یک طرف احساس شاعر است و طرف دیگر طبیعت و اشیا و تصویر در مانند پلی میان آن دو است.» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۲۴)

شاعر رمانتیک از رهگذر تصویر، درون خویش را با طبیعت پیوند می‌زند و با تمسک به پدیده‌های طبیعت، حالات ذات خود را بیان می‌کند. تصویر در شعر رمانتیک میانجی و ابزار ساختار شعر است، زیرا ابزار شناخت و احساس شاعر و صدای احساس و عاطفه شاعر است؛ بنابراین شاعر شیء را به شکل واقعی و عینی به تصویر در نمی‌آورد بلکه رنگ احساس خود را به آن می‌بخشد. (الیافی، ۱۹۸۳: ۱۱۴)

چنین برخوردی با طبیعت در بسیاری از غزل‌های سیمین بهبهانی دیده می‌شود. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

پلک به هم می‌نهم، باغ گل و سوسن است جلوه‌کنان رنگ‌رنگ این همه گل از من است  
دست تکان می‌دهم، ریختن نسترن پای فرامی‌نهم، خم شدن لادن است

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۷۷۳)

در نگاه شاعران رمانتیک، «طبیعت همچون یک موجود زنده و دارای شخصیت است که می‌توان با آن یگانه شد و با آن پیوندی هم‌دلانه برقرار کرد» (جعفری جزی، ۱۳۷۸: ۸۶). در این دو بیت و در تمام این غزل سیمین با طبیعت ارتباط و همدلی برقرار کرده است. گویی طبیعت را در احساس خود شریک می‌داند و با طبیعت به وحدت رسیده است.

درخت نارنج شیراز! شکفته بر سر بهارت سپیده نقره‌پرداز، دمیده از شام تارت  
چو طعم نارنج نارس، کلام تلخت شنیدم نشسته در زخم سرخت ملامت جان‌شکارت

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۷۸۰)

سیمین در این بیت‌ها با درخت نارنج شیراز هم‌صحبت شده، با او همدلی می‌کند و از گذشت روزگار و رنج زمان می‌گوید.

پاییز خسته غمگین! دستت تکیده و سرد است زرنیخ و آهک و اخرا با برگ‌ها ت چه کرده‌ست

باغ‌ای تباهی دولت! در امن حرمت گل‌ها ت رگبار ضربت سیلی تکرار ناله درد است

(همان: ۹۰۲)

سیمین در بسیاری از غزل‌های خود همچون شاعران رمانتیک، با طبیعت به یگانگی رسیده است. طبیعت را از جنس خود و خود را از جنس طبیعت می‌داند. با طبیعت چنان سخن می‌گوید که گویی با همنوع سخن می‌گوید: خورشید زلف نارنجی! کی آفتاب خواهی کرد؟ این برف‌های چرکین را کی آب آب خواهی کرد؟

(همان: ۸۲۳)

در این دو بیت زیر و در تمام ابیات غزل «بهار شاد شورافکن...» نیز شاعر بهار را موجود زنده‌ای دانسته و با او ارتباط و همدلی برقرار کرده است:



بهار شاد شورافکن، زقله‌ها به زیر آمد هنوز عشق جان دارد، مگو، مگو که دیر آمد!  
بهار شاد و شورافکن، به بزم دوستان چون من میان جامه‌ای روشن ز پولک و حریر آمد  
(همان: ۶۹۱)

در بیت زیر «دل را در تن ترکه راندن» استحالۀ شاعر(کولی) در طبیعت (ترکه) را به زیبایی به  
تصوی کشیده است.

با سرانگشت دل را در تن ترکه می‌راند هر سبد شعرواری عشق و ایثار می‌شد  
(همان: ۶۴۱)

همچنان‌که در این ابیات، تصویری که خلق شده نتیجه استحالۀ کولی در طبیعت است و  
کولی به شکل کاجی سر از خاک برآورده است:

نحیف شد کولی، ز غصه چون سوزن چو دانه‌اش چندی به خاک مدفن بود  
بهار شد کولی ز خاک سر برکرد به گونه کاجی که غرق سوزن بود  
(همان: ۶۵۲)

سیمین در غزل «عطر قهوه با خیالت» با مطلع:  
عطر قهوه با خیالت در شروع بامدادم می‌پراکند تمنا بروی لحظه‌های شادم (همان: ۹۱۷)  
گام به گام با طبیعت همراه است. حالت‌هایی را که برای خودش روی داده، با طبیعت همسان  
کرده است:

با نسیم صبحگاهی، موج زد بنفشه‌زاران با سپیده‌دم خیالت موج می‌زند به یادم (همان)  
و

بر گدار سینه برفی آفتاب بوسه می‌زد آن زمان که در کنارت پلک بسته می‌گشایم (همان)  
و

خیره مانده دیدگانم، بس که عشق و روشنایی تاب بیش از این ندارم، آسمان برس به دادم  
(همان)

## سایه‌واری و ابهام پدیده‌ها در تصویر

شفافیت و قطعیت را صفت تصویر شعر کلاسیک و در مقابل آن، سایه‌واری و شیخ‌گونگی تصویر را ویژگی شعر رمانتیک می‌دانند. تصویر رمانتیک حاصل نگاه خیالی و رؤیاست، به همین سبب بر ویژگی‌های ناپیدای شیء تکیه می‌کند و تار و گنگ و سایه‌وار است؛ گویی شاعر اشیا و پدیده‌ها را در سایه یا در شب تار دیده، همه چیز دور و مبهم می‌نماید. تخیل و استفاده از تصاویر نمادین سبب به وجود آمدن فضاهاى مبهم و خیالی در شعر می‌شود. اشیا در شعر رمانتیک، قطعیت جرمانی و صلابت جسمانی ندارند و ابعاد و صفات آنها رنگ می‌بازد. (ر. ک فتوحی، ۱۳۸۶: ۶)

تصاویر شعری در مکتب کلاسیسیسم، دارای وضوح هستند و تجسم آن برای همه مخاطبان یکسان است. تصویر حاصل از بیت:

صبح چون زلف شب براندازد      مرغ صبح از طرب براندازد

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۱۲۲)

برای خواننده در هر زمان و مکانی یکی است؛ اما تصاویر رمانتیسم چنین قطعیتی ندارند. در شعر: «به زوال زیبای گل‌ها در گلدان/ به نهالی که تو در باغچه خانه‌مان کاشته‌ای/ و به آواز قناری‌ها/ که به اندازه یک پنجره می‌خوانند» (فرخ‌زاد، ۱۳۶۳: ۱۵۲) به تعداد خوانندگان، تصویر قابل تجسم است.

در اشعار سیمین تصاویر شعری سیمین، تصاویر رمانتیسم و دارای ابهام و پیچیدگی بسیار است. به عنوان نمونه سیمین در خلق تصاویر دو بیت زیر به شیوه رمانتیسم‌ها، تصاویری مبهم و سایه‌گونه خلق کرده است: «تاریکی فشرده» و «غول گربه دور» تصاویری مبهم که برای خواننده، قطعیت و ثبات ندارد.

رفت آن سوار کولی، با خود تو را نبرده      شب مانده است و با خود تاریکی فشرده  
دشت و شب و سیاهی و آن غول گربه      کز دور کین را کمین گرفته با انحای گربه

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۶۴۳)

در کولی‌وارهٔ ۴ از دفتر «دشت ارژن» با مطلع:  
کولی آواره تنهاست، با مه و زنگار بی تو خسته

ز ابهام و اندوه، مانده به ناچار بی تو

(همان: ۶۴۵)

علاوه بر اشاره‌ای که در این بیت به ابهام کولی دارد، تصاویری در بیت‌های دیگر وجود دارد نظیر: «چهرهٔ مفرغ و درد»، «تیره‌تر از سایهٔ قهر»، «آینه‌اش تار»، «خال لبش نیل و اندوه»؛ که در سایه‌ای از ابهام و پیچیدگی هستند. تشبیهاتی که وجه شبه آن‌ها تنها در خیال شاعر بوده است. این تصاویر به دلیل ابهام و سایه‌واری شان، به تعداد خوانندگان قابل تصور و تجسم‌اند.

فضای ابهام آور و عدم قطعیت بر تصاویر ابیات زیر نیز حاکم است. تصویرهایی مثل: «برکهٔ شب بی جنبش»، «این صدای چه مرغی بود» و «دزدیدن دل اوهام با خلیدن زوبین»:  
این صدای چه مرغی بود در سکوت شبانگاهی برکهٔ شب بی جنبش نقرهٔ گذر ماهی  
می‌درد دل اوهامت با خلیدن زوبینش این صدای چه مرغی بود در سکوت شبانگاهی

(همان: ۶۶۰)

غزل «پلک به هم نهم» با مطلع:

پلک به هم می‌نهم، باغ گل و سوسن است

جلوه‌کنان رنگ‌رنگ این همه گل از من است

(همان: ۷۷۳)

غزلی رؤیا گونه است. شاعر فضایی را وصف می‌کند که در رؤیا و هنگامی که پلک بر هم گذاشته دیده است. در این غزل تصاویری چون «دوشیزه بودن ماه»، «آبستن شدن ماه»، «سرخ بودن عقل»، «نارنجی بودن جنون»، «دعوت از عقل برای دیدن جنون» تصاویر عقلانی و منطقی نیستند، بلکه بیانگر احساس و تخیل عمیق شاعرند. همان‌گونه که پیش از این گفته شد، ابهام و سایه‌واری از ویژگی‌های تصاویر رمانتیک است. «از دیدگاه رمانتیک ارزشهای عاطفی اشیا، سایه، شیخ و هیأت مبهم پدیده زیباتر جلوه می‌کند» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۲۹). در این غزل، شاعر خوابی را

که دیده، به تصویر کشیده و تصویری دور و مبهم از یک زن آفریده است؛ زنی که شاید خود شاعر باشد. این ابهام در ابیات زیر بیشتر شده است:

زنی با قرص خورشید، شبی درآمد به خوابت      کجاست اکنون که دیگر نمی‌دمد آفتابت  
چه ساده‌دل بود آن زن، چه ساده‌دل بود آن زن      کشیده سوی سرابش، فریب پر آب و تابت

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۹۲۳)

### مکان در شعر رمانتیک

شاعر رمانتیسم از واقعیت دل خوشی ندارد و برای فرار از واقعیت جامعه به طبیعت بکر و وحشی پناه می‌برد. سخنانی چون: «بر رخسار مردمان جز درنده خوبی نمی‌بینم و حال آنکه طبیعت همواره به روی من می‌خندد.» (جعفری جزی، ۱۳۷۸: ۲۳۶) یا «خدواند روستا را آفرید و انسان شهر را» (همان: ۸۶) بیانگر گرایش رمانتیک‌ها به جامعه ساده و ابتدایی و طبیعت وحشی و دست نخورده و دشت‌ها و کوهستان‌های دوردست است. «جان رمانتیک در کشمکشی میان واقعیت و سایه معلق است؛ از این رو میان بریدن و پیوستن با طبیعت و عصیان و در خود پیچیدن شناور می‌ماند. شاعر رمانتیک در دنیای ناباوری و یأس به فاصله میان واقعیت و خیال و به دنیای سایه‌ها پناه می‌برد، و ابعاد گنگ را نمایش می‌دهد» (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۳۱).

درکولی‌واره‌های سیمین چنین توصیفاتی بسیار دیده می‌شود. «بیدار شدن دشت»، «زالال نگاه دشت» توصیف دشتی است که شاعر برای دور شدن از فضای شهری آن را توصیف کرده است:

با قدم‌های کولی دشت بیدار می‌شد      با زلال نگاهش برکه سرشار می‌شد

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۶۴۱)

سیمین با یادآوری رقص کنار آتش و توصیف آن، فاصله مکانی و زمانی خود را با طبیعت بکر و شادی آن به تصویر کشیده است.

کولی! کنار آتش رقص شبانه‌ات کو؟      شادی چرا ریمده؟ آتش چرا فسرده؟

(همان: ۶۴۳)

در بیت‌های زیر نیز تصویرسازی‌ها با پدیده‌های مربوط به طبیعت و فضای دور از حال و هوای شهر و محیط زندگی شاعر است. این تصویرها نشان‌دهنده گریز شاعر از رویارویی با واقعیت زندگی است.

تا حصار امن باغی کولی از سفر رسیده      کـــوله‌بار برگرفته، خسته‌وار آرمیده  
(همان: ۶۴۵)

چون غزالان خانگی بندی خواجه نیستی      جان آهوی دشت را الفتی با حصار نیست  
(همان: ۶۵۳)

کولی تن است—وارت چون مادیان کهر بود  
چون پوستواری پر از گاه افتاد و بر بسترت ریخت  
(همان: ۶۴۹)

### زمان در شعر رمانتیک

یکی از شیوه‌های ایجاد ابهام و سایه‌واری در اشعار رمانتیک، وصف دوران دور و زمان‌های گنگ است. «رمانتیک‌های ایرانی از زمان‌ها، شب و از فصل‌ها، پاییز و زمستان را بیشتر می‌پسندند و حوادث تخیلی و شاعرانه خود را در آنها به تصویر می‌کشند» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۳۳). در بیت زیر شب سرد و زمستانی توصیف شده است:

شب است و گرمی آتش‌نمای گرمی چند

نکـــرده گرم، نفس‌های این زمستان را  
(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۵۰۹)

در کولی‌وارهٔ ۳ شب چنین به تصویر کشیده شده است:  
رفت آن سوار کولی، با خود تو را نبرده      شب مانده است و با شب تاریکی فشرده  
دشت و شب و سیاهی و آن گول‌گره کز دور      کین را کمین گرفته با انحنای گربه  
در گیسوی تو نشکفت آن بوسه لحظه لحظه      این شب نداشت آری الماس خرده خرده  
(همان: ۶۴۳)

یکی دیگر از مسائلی که در بررسی شعر رمانتیک به چشم می‌خورد، یادآوری زمان کودکی و خاطرات آن دوران است. پرداختن به بازآفرینی خاطرات کودکی و غرق‌شدن در حلاوت حزن‌آمیز آن، برای‌گریز از زندگی تمدن‌زده شهری و ناملايمات و دلهره‌های آن، از ویژگی‌های شعری رمانتیک است. مانند بیت زیر که خاطره‌ای مبهم از دوران کودکی را به تصویر کشیده است.

میان جالیــــمِ دوم کنار بزغالهٔ سیاه

به متن تصویر کودکی، نشسته ابهام سال و ماه

(همان: ۸۸۶)

غزل «بچرخ بچرخ همبازی» با مطلع:

بچرخ بچرخ همبازی! خدا مرا نیندازی!

که گرد باد می‌رقصد نفس در این بازی

(همان: ۸۳۱)

یادآوری خاطرات کودکی است. علاوه بر تصاویر، وزن شعر و عنوان غزل نیز بیان‌گر همین برگشت به دوران دور و خوش کودکی است. این یادآوری خاطرات و برگشت به گذشته را نتیجهٔ اندوه شاعران رمانتیسم می‌دانند. «گویی جان ایشان پیوسته ندای رفتن و گم شدن و نابودی و شکستن را می‌شنود» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۳۳)

### پویایی و بالندگی تصاویر

«رمانتیک‌ها اثر هنری را چونان جاننداری خودبسنده می‌دانستند که انرژی‌اش را خود تأمین می‌کند. از این رو برای توصیف اثر هنری از اصطلاحات علم زیست‌شناسی بهره می‌گرفتند. کالریج، شاعر رمانتیک و منتقد انگلیسی، دو اصطلاح ارگانیک و مکانیک را برای توصیف شکل شعر به کار برد و شعر رمانتیک را اندام‌وار (ارگانیک) توصیف کرد که در برابر شکل مکانیکی در شعر کلاسیک قرار می‌گیرد» (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۳۴). «در شکل اندام‌وار اگر ارتباط میان تصویرها

از هم بگسلد، شعر متلاشی خواهد شد. تصویر حاصل از تخیل رمانتیک، پذیرای تجزیه و تحلیل عقلانی نیست. اگرچه تصویر شعری رمانتیک از عناصر زنده و روینده طبیعت مایه می‌گیرد اما به نظم طبیعی اشیا تعلق ندارد، بلکه متعلق به پیکره زنده و جاندار شعر است» (همان: ۱۳۵). تصویر رمانتیک نمی‌تواند ایستا و راکد باشد؛ زیرا شعر رمانتیک، شعر طبیعت زنده و پویاست. شاعری که با طبیعت زیسته و با آن هم‌جوش و هم‌سو شده، شعرش مثل طبیعت زنده و پویا است.

اجزای تصویر رمانتیک، همه به هم پیوسته و جزئی از یک کل واحد به شمار می‌آیند. در بیشتر (اکثر قریب به اتفاق) غزل‌های این سه دفتر شعری، تصاویر اندام‌وار است. تجربه عاطفی واحدی در تمام ابیات غزل پا به پای تصویرها پیش می‌رود. تصویرها به حرکت در می‌آیند و مانند فیلم در نگاه خواننده پویا و زنده‌اند.

#### در غزل «می‌نویسم و خط می‌زنم» با مطلع:

می‌نویسم و خط می‌زنم کانچه گم شده پیدا کنم

وان تخیل آشفته را واژه بخشم و گویا کنم

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۹۱۹)

تصاویر سازنده غزل، مانند عکس‌های یک انیمیشن، پشت سر هم قرار گرفته‌اند و یک کل

واحد را ساخته‌اند.

#### غزل «میان جالیز می‌دوم» با مطلع:

میان جالیز می‌دوم کنار بزغاله سیاه به متن تصویر کودکی، نشسته ابهام سال و ماه

(همان: ۸۸۶)

در این غزل، بازگشت به کودکی، مبنای تصویرسازی شاعرانه است. تجربه عاطفی واحدی در تمام ابیات همراه تصویرها پیش می‌رود، تصویرها حرکت می‌کنند و مثل این است که شاعر فیلمی از دوران کودکی خود را برای مخاطب به نمایش می‌گذارد.

بخش پنجم دفتر «یک دریچه آزادی...» شامل شش غزل «ایلخانی» است، موضوع تمام این

غزل‌ها زهره است. در هر غزل به طور جداگانه، تصویر اندام‌واره‌ای از زهره خلق شده است.

ویژگی دیگر این غزل‌ها این است که گویی شش قسمت از یک سریال‌اند که به شکل نمادین زندگی زن ایرانی را ه تصویر کشیده‌اند. علاوه بر این، کولی‌واره‌ها، عید آمد و می‌رود، بهار شاد شورافکن، کو برگ لاله‌ام، هی‌ها... هی‌ها... ره بگشا، پای در چشمه بر تخته سنگی، سارا چه شادمان بودی، به دشت‌های برفی، خوشه بود، خوشه طلا...، بزن، آیا بهار جاویدم، درخت نارنج شیراز، نیز غزل‌هایی هستند که تصاویر اندام‌وار و پویا خلق شده‌است.

### فردیت در تصاویر

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان رمانتیک فردیت اوست. «کشف مرکزیت خود و کشف خود به عنوان فاعل شناسایی پایه و مبنای جمال‌شناسی رمانتیسم به شمار می‌آید. این وضعیت از یک سو، موجب پدیدآمدن خودآگاهی نسبت به خویش و ذهن‌گرایی و کشف غرورآمیز وجود فردی خود می‌شود و از سوی دیگر، با حسّ تنهایی، انزوا و سرگردانی همراه است. این ویژگی دوگانه، هم این انسان نو را در ستیزی پرشور با جهان بیرون قرار می‌دهد و هم او را دچار وحشت و درماندگی می‌کند» (جعفری جزی، ۱۳۷۸: ۱۹۲)

بنابراین، نباید از تصویر رمانتیک، توصیف طبیعت را انتظار داشت. «تصویر رمانتیک، تعبیر احساس و عاطفه شخصی هنرمند است. تعبیر یک شیء بدون تصرف عاطفی در آن ممکن نیست. پس تصویر رمانتیک، حامل عواطف شخصی هنرمند و خاص اوست. فردیت تصویر در عین حال نوعی عمومیت را نیز در بر دارد؛ یعنی سرشت تصویر رمانتیک آن است که این تجربه شخصی را به همگان تعمیم می‌دهد.» (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۳۹) نمود فردی هنر، «هیجانان و روحیات شخصی است که در افراد مختلف، متفاوت است» (همان). «بزرگترین هدیه رمانتیسم به جهان مدرن، اعطای هویت فردی به انسانها و متمایز کردن آنهاست» (فتوحی، ۱۳۸۴: ۱۴۴)

### سیمین در غزل «خط به آخر آمده است» با مطلع:

خط به آخر آمده‌ست همچنان نشسته‌ای      پا فرا نمی‌نهی بس که خرد و خسته‌ای

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۷۹۴)



اندوه پیری و گذر عمر را به تصویر می‌کشد زیرا شاعر به شست سالگی خود نزدیک شده؛ سنی که گاه با دردهای جسمی و آلام روحی همراه است و اندوهی که او از این ناتوانی‌ها دارد، هر چند فردی و شخصی است اما مقبولیت عام دارد. به عبارت دیگر، فردیتی را مطرح کرده که درد مشترک انسان‌هاست.

#### در غزل «می‌رقصد از نشاط بهاری» با مطلع:

می‌رقصد از نشاط بهاری، سبزینه در بلور نگاهم

می‌جوشد از طراوت جاری، خون در رگان سیاهم

(همان: ۸۰۲)

نگرش خاص و فردی سیمین با تصاویر «رقصیدن سبزینه در بلور نگاه»، «پا فشرده به خاکم»، «از شاخه پر می‌کشد کبوتر آهم» «حوانما، فرشته نهادم» و... به تصویر کشیده شده است.

#### در غزل «عید پول زرد و عروسک» با مطلع:

عید پول زرد و عروسک، عید کفش برقی و دامن

عید ترک مشق و دبستان، عید شاد کودکی من

(همان: ۸۲۵)

هم شاعر عید نوروز را با نگرش و دیدگاه فردی خود به تصویر کشیده است.

### اندوه در تصاویر

اندوه یکی از ویژگی‌های شعر رمانتیک است. این اندوه گاه، ناشی از نگرش بدبینانه و پوچ انگارانه جهان است. گاه ناشی از هجران معشوق، دوری از وطن و مرگ عزیزان و گاهی هم ناشی از ناکامی‌ها و شکست‌ها و یا غم افراد جامعه و دیگران است. هر کس به گونه‌ای به ابراز این احساسات می‌پردازد، اما تنها شاعران هستند که غم و اندوه خویش و جامعه را در قالب کلمات موزون می‌سازند و بر زبان جاری می‌نمایند، تا یک احساس هم‌دلی بین خود و خواننده ایجاد کنند.

اندوه مطرح شده در غزل «نیزارها»ی سیمین، غم دیگران است؛ بیان اندوه بیچارگی مردم و آرمان‌های اجتماعی. تصویرهایی چون: «نالۀ نی‌ها»، «وزیدن باد سام بر بازوان لاغر»، «جوجه‌های بی‌پرپرواز»، «سکوت سیاه شبانه» اندوهی جمعی را به تصویر کشیده است.

نیزارها ز نالۀ نی‌ها نشانه‌اند موسیقی نوشته به دست زمانه‌اند  
اینان هزار نالۀ زردند و ناامید روئیده در سکوت سیاه شبانه‌اند

(همان: ۵۱۵)

غزل «دل‌گرفته‌ای دوست!...» با تصویرهایی چون: «از قفس گریختن»، «دیده به کنج تنگنا برگشودن»، «چو تخته پاره بر موج»، «باده در سبو نبودن» توصیف اندوه درونی شاعر است.

دل‌گرفته‌ای دوست هوای گریه با من

گر از قفس گریزم، کجا روم کجا، من؟  
اندوه به تصویر کشیده شده در ابیات زیر، اندوه عشق و هجران است. تصویر و توصیف‌هایی نظیر: «شکسته سبو»، «غبار صبوری پرده کشیده به رویم»، «سرو کرانه من شو»، «به کام جنونم» بیان‌گر غم عشق و دوری است.

آه چگونه بگویم، آه چگونه بگویم با تو که که «بادۀ من شو» من که شکسته سبوم؟  
آه چگونه بگویم: «چهره در آینه‌ام بین» من که غبار صبوری پرده کشیده به رویم؟

(همان: ۶۸۹)

در غزل «درخت نارنج شیراز» اندوه «درخت نارنج» در گفتگو با جویبار به تصویر کشیده شده است. فضای حاکم بر شعر اندوه و شکایت و نالۀ عاشق (جویبار) است که با توصیفات «شنیدن کلام تلخ»، «چنان بلندی که در پا، عبور مار را ندیدی»، «خراش خونین به دل زد، ملامت نیش خارت» و «ز شرم آن سرگرانی...» به تصویر کشیده شده است:

غبار اندوه بسیار که داری از پار و پیرار

نشان دهد کز خزان‌ها چه رفته با روزگارت

(همان: ۷۸۰)

در غزل «این شاخه‌های زمستانی» با مطلع:

ایــــن شاخه‌های زمستانی، این دست‌های سرد

ای دوست، جز تجسم عریانی، سویت چه هدیه کرد؟

(همان: ۷۹۲)

نیز تصاویر شعری، بیان‌گر اندوه فردی شاعر است. «باریدن در هوای تو پنهانی»، «مرجان سرخ من... نیل است و لاجورد»، «خون است و مرگ در تب هذیانی» و «این دست‌های سرد» بیانگر این اندوه‌اند. این اندوه در بیت هشتم با توصیف این گونه بیان شده است:

با قهر این قبیلهٔ شیطانی، این من، زنی اسیر

تا دل ز یاوریم نگردانی، ای مرد مرد مرد

(همان: ۷۹۳)

در غزل «خط به آخر آمده است» (همان: ۷۹۴)، سیمین اندوه خود را از گذر عمر و جوانی بیان کرده است. تصاویرهای «کتان پوده و گسسته»، «کویر خشک تن»، «خاکمرده هسته»، «خزان زردرو» «تارم شکسته» بیانگر این حزن شاعر است. این اندوه گاه فلسفی و ناشی از نگرش بدبینانه و پوچ انگارانه جهان است. گاه فردی و ناشی از تنهایی، عشق و زیبایی و هجران و سفر و شکست‌های شخصی و گاه اجتماعی و متأثر از جهل اجتماعی و فقر و بیچارگی مردم است.

### کارکرد تصاویر رمانتیک

در ادبیات رمانتیک، تصویرسازی شگردی برای بیان احساس و شعور شاعر است و امکان نمایش فردیت و شخصیت هنری او را فراهم می‌آورد. او در اشیا حالات درونی خود را می‌بیند و رنج و اندوه خویش را بر دوش اشیا می‌نهد، تا آنها را تابع خود و همدل و همزبان خویش کند. شاعر رمانتیک حالات درونی خود را در پدیده‌ها می‌بیند و سعی دارد با تصویرسازی، همدلی و همراهی خواننده را برانگیزد. وی در تصویر همان حالتی را به خواننده نشان می‌دهد که خود تجربه کرده است. (ر. ک: فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۴۸-۱۴۶)

سیمین در کولی‌واره ۷، (بهبهانی، ۱۳۸۵: ۶۵۱)، شرح خیانت مرد به همسرش را در قالب داستان کولی بیان می‌کند. بیانی غیرمستقیم و مؤثر «چه رفت بر کولی دلش نه ز آهن بود» این توصیف و تصویر خواه ناخواه حس تنفر خواننده را برمی‌انگیزد، چون نمی‌خواهد دلش از آهن باشد. یا «سکوت و صبر و رشک، فشرده نایش را» اندوه و درد کولی را به خواننده منتقل می‌کند. «تصویر رمانتیک از آنجا که با احساس گره می‌خورد از معنی و مقصود جدا نیست، بلکه معنی همان احساسی است که از تصویر حاصل می‌شود. در واقع معنی در تصویر و تصویر در معنی آمیخته است» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۴۷). در ابیات زیر تصویرها دلالت مستقیم ندارند، بلکه بطور ضمنی حامل یک احساس هستند:

کدام ابر زهر آگین، دوباره چتر خود وا کرد؟

سکوت خانه سربی شد، دلم هوای صحرا کرد

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۷۱۹)

در بیت بالا شاعر قصد توصیف ابر یا خانه را ندارد، بلکه هدفش انتقال حس اندوه و دل‌تنگی خود به خواننده و همراه کردن اوست. در تصاویر دیگر این غزل نیز با همین هدف اندوه و غم بیان شده است. در ادامه غزل نیز تصویرهایی چون: «سکوت خانه سربی شد»، «جنون چو برق شد»، «دو مردمک عقیقی شد»، «چو از درون تهی گردد، بگو که بشکند افرا» همگی هم‌سو و در راستای برانگیختن احساس مخاطب خلق شده‌اند.

درخت نارنج شیراز! خطای چشمم بیخشای      نه گل، که آزیده سیم، نشسته بر شاخسارت

غبار اندوه بسیار که داری از پار و پیرار      نشان دهد کز خزان‌ها چه رفته بر روزگارت

(همان: ۷۸۰)

در ابیات مذکور حالات روحی انسان (شاعر) به درخت نارنج نسبت داده شده؛ تصویری چون: «سپیده از شام تار دمیدن»، «غبار اندوه پار و پیرار»، «کلام تلخ»، «ملامت جان‌شکار» و... از حالات واقعی درخت نیستند، بلکه شاعر برای انتقال عواطف و احساسات خود به خواننده از این تصویرآفرینی بهره گرفته است. این تصویرسازی «حاصل معرفت احساسی و تأثیری است، لذا بار

عاطفی سنگینی بر دوش می‌کشد و حاوی حساسیت و آگاهی عاطفی شاعر نسبت به جهان پیرامون اوست. شاعر ذات خویش را در تصویر می‌ریزد، خواننده شبی را احساس می‌کند که شاعر در آن شب حالتی مخصوص داشته؛ این شب با همه اجزای خود احساسی دلگیر و غمگنامه دارد.

سیمین در غزل «اسب می‌نالید، اسب می‌لرزید...» مرگ هوشنگ گلشیری را به تصویر کشیده است. بی آن که اسب را مشابه برای گلشیری قرار دهد، اندوه و حسرت خود را از این مرگ به تصویر کشیده است. در بیت پایانی این همذات‌پنداری و عجزین شدن احساس با تصویر بیان شده است:

با تو آواز است و با من چنگ، پشت این در زار نالیدیم

گر سری از در برون می‌شد، آگه از حال درون می‌شد

(همان: ۷۴۰)

## نتیجه

این پژوهش با هدف بررسی تصاویر رمانتیسیم در سه دفتر شعری سیمین بهبهانی انجام گرفت. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تصاویر شعری سیمین بهبهانی متأثر از رمانتیسیم است. هرچند به سبب قالب غزل، بهبهانی را از شاعران سنت‌گرا می‌دانند، اما سواى قالب غزل، شعر سیمین هیچ یک از ویژگی‌های شعر سنتی را ندارد. بسیاری از ویژگی‌های تصویری شعر رمانتیسیم در اشعار وی وجود دارد و در تصویرسازی عناصر تصویر رمانتیک را به کار می‌گیرد.

ترکیب‌ها و تصویرهای سایه‌وار، القای معنی و در انتقال احساس، طبیعت‌گرایی، وجود اندوه فردی و اجتماعی در تصاویر شعری و شخصی کردن نمادهای مختلف ویژگی‌هایی است که نشان می‌دهد، سیمین در تخیل شعری خود تحت تأثیر رمانتیک‌ها بوده است. برجسته‌ترین کارکرد تصاویر در شعر سیمین بهبهانی تهییج و تأثیرگذاری بر احساسات است که آن را به کارکرد تصاویر در مکتب رمانتیک نزدیک می‌کند.

## منابع و مآخذ

- ابومحبوب، احمد، گهواره سبز افرا، چاپ دوم، تهران: ثالث، ۱۳۸۷.
- باوره، موریس، تخیل رمانتیسم، ترجمه فرحید شیرازیان، ارغنون (فلسفی - علمی - ادبی) سال اول، شماره ۲: ۵ تا ۷۸، ۱۳۷۳.
- برلین، آیزایا، ریشه‌های رمانتیسم، ترجمه عبدالله کوثری، چاپ دوم، تهران: ماهی، ۱۳۸۷.
- بهبهانی. سیمین، مجموعه اشعار، چاپ سوم، تهران: نگاه، ۱۳۸۵.
- جعفری جزی، مسعود، سیر رمانتیسم در اوپا، تهران: مرکز، ۱۳۸۷.
- \_\_\_\_\_، سیر رمانتیسم در ایران، تهران: مرکز، ۱۳۸۶.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین، دیوان، به کوشش ضیاء‌الدین سجادی، چاپ سوم، تهران: زوار، ۱۳۸۶.
- رحیمی، سیدمهدی و شامیان ساروگلابی، اکبر و محابد، ثریا، جلوه‌های رمانتیسم در شعر سیمین بهبهانی مجموعه‌های جای پا، چلچراغ، مرمر و رستاخیز، پژوهش‌نامه ادب غنایی، سال یازدهم، شماره ۲۱: ۱۰۳-۱۲۴، ۱۳۹۲.
- زرقانی، سیدمهدی، چشم‌انداز شعر معاصر ایران، چاپ پنجم، تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۴.
- سیدحسینی، رضا، مکتب‌های ادبی، ج ۱. تهران: نگاه، ۱۳۸۷.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، ادوار شعر فارسی، چاپ پنجم، تهران: سخن، ۱۳۸۷.
- \_\_\_\_\_، صور خیال در شعر فارسی، چاپ پانزدهم، تهران: آگاه، ۱۳۹۱.
- شمیسا، سیروس، مکتب‌های ادبی، چاپ دوم، تهران: قطره، ۱۳۹۱.
- طاهری، قدرت‌الله، بانگ در بانگ، تهران: علمی، ۱۳۹۳.
- فتوحی، محمود، بلاغت تصویر، تهران: سخن، ۱۳۸۶.
- \_\_\_\_\_، تصویر رمانتیک، پژوهش‌های ادبی، شماره ۹ و ۱۰: صص ۱۵۱-۱۸۰، ۱۳۸۴.
- فرای، نورتروپ، تخیل فرهیخته، ترجمه سعید ارباب شیرانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳.
- فرخزاد، فروغ، تولدی دیگر، چاپ چهاردهم، تهران: مروارید، ۱۳۶۳.
- فurst، لیلیان، رمانتیسم، ترجمه مسعود جعفری. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۵.

گل سرخی، فرشته، جلوه‌های رمانتیسم و فمینیسم در شعر سیمین بهبهانی، همایش ملی پژوهش‌های معاصر شعر فارسی، یاسوج: صص ۵۶۶-۵۷۶، ۱۳۹۶.

موحد، ضیاء، شعر و شناخت، چاپ چهارم، تهران: مروارید، ۱۳۹۷.

موسوی، سید اصغر؛ سیدی، سید حسین، تصویر رمانتیک در شعر حسین منزوس و بدر شاکر السیاب، نشریه ادبیات تطبیقی، سال دهم، شماره ۱۸: ۲۲۳-۲۴۳، ۱۳۹۷.

میرصادقی، میمنت، واژه‌نامه هنر شاعری، تهران: کتاب مهنار، ۱۳۷۳.

ولک، رنه، تاریخ نقد جدید، ترجمه سعید ارباب شیرانی، ج ۱، تهران: نیلوفر، ۱۳۸۸.

الیافی، نعیم، تطور الصورة الفنية فی الشعر العربی الحديث، دمشق: منشورات، ۱۹۸۳.

## The Influence of Romanticism on Imagery in Simin Behbahani's Poetry: A case of A Line from Speed and Fire, Arzhan Plain, and A Window of Freedom

Homeira Khanjani<sup>1</sup>, Maryam Mahmoodi Ph,D<sup>2\*</sup>,  
Morteza Rashidi Ashjerdi Ph,D<sup>3</sup>

### Abstract

Romanticism, one of the most complex and widespread literary schools, emerged as a groundbreaking phenomenon in the late eighteenth-century. The school developed in an era of outstanding scientific, social and political changes in Europe. In the same vein, Iranian constitutional movement introduced Romanticism as a novel intellectual approach in Persian literature. Although Simin Behbahani cannot be regarded as a follower of this literary school, many of her poetic imageries enjoy attributes associated with imagery employed in Romantic poetry. Her poems are similarly replete with imagery which express the poet's attitude and vision and outstandingly convey her emotions. This article takes a descriptive-analytical approach to Simin Behbahani's poetry in her three outstanding collection of poems: A case of A Line from Speed and Fire, Arzhan Plain, and A Window of Freedom. The article is an endeavor to study some attributes of romanticism in Simin's poetry as transformation of nature, individualism, ambiguity in imageries, dynamics of language and transcendence of the images, and melancholy. Ambiguous combinations and imageries, implied meaning and expressions of feelings, transcendence of nature, individual and social melancholy, and personalization of various symbols are amongst attributes which reveal Simin's poetry to bear influences of romanticism. The findings yield significant implications on Simin Behbahani's poetry with regards to Persian modifications introduced to romanticism which most visibly concentrate on transcendence of nature and individualism.

**Keywords:** Romanticism; nature; space; time; individualism.

---

1. Ph. D student of language and literature of Farsi Azad University Dehaghan  
Email: homeira1222@gmail.com

2. Associate professor of Persian literature of Islamic Azad university of Dehaghan (Author)  
Email: mahmoodi75@yahoo.com

3. Assitant Professorof Persian Language and Literature Islamic Azad University Najaf Abad Branch  
Email: mortezarashidi51@yahoo.com